

جملات کوتاه

رضا فرهی مقدم

تابستان ۱۳۸۵

۱. در یک مباحثه، پیروزی شما به معنی آن نیست که طرف مقابل حرفی برای گفتن نداشته باشد، بلکه زمانی شما پیروز هستید که هر دو نفر یک مطلب را بگویند.
۲. اگر درستی مطلبی را بتوان با استدلال ثابت کرد، نادرستی همان مطلب را نیز می‌توان با استدلال ثابت کرد.
۳. اگر کوهنوردی در میانه‌ی صعود بازایستد و به پشت سر خود نگاه کند تا از موفقیت‌هایش لذت ببرد، یا هیچ وقت به قله نخواهد رسید و یا بسیار دیرتر از زمانی که می‌بایست صعودش به پایان خواهد یافت.
۴. از دبستان به دست آوردن محیط دایره ($2\pi r$)، محیط مربع ($4a$) و غیره را بیاد داریم. هر شکل دوبعدی معمولی که به ما بدهند می‌توانیم به نحوی محیط آن را به دست آوریم. حالا به این سوال فکر کنید: محیط کره چیست؟ (۹۳ الف)
۵. وای بر کودکانی که سرنوشت ایشان به دست قماربازان است.
۶. هیچ وقت با دوستت معامله نکن.
۷. سفره‌ی کسی که فکر می‌کند مگس خلق‌الساعه است، همیشه پر از مگس است.
۸. چه پست اجتماعی است آنجا که کودکان از عبور از خیابان می‌ترسند.
۹. هیچ وقت از تخریب‌کننده‌ی جنگل انتظار نداشته باش که گرگ‌های سرگردان را از بین ببرد.

۱۰. (الف ۹۳) سنگ‌ها را به هم بزن، مسلماً آتش روشن خواهد شد (ب ۹۳)
۱۱. مقدس‌ترین موضوعات سه تا هستند، و این در حالی است که در طول تاریخ بیشترین سواستفاده از آنها شده است: وطن، دین، و تعصب.
۱۲. هرچه عقاب بیشتر اوج می‌گیرد، گردویی که دو سنجاب روی زمین برای آن در حال دعوا هستند برای عقاب کوچک‌تر می‌شود.
۱۳. اگر عقاب بخواهد آنچه سایرین درباره او می‌گویند را بشنود باید روی زمین بنشیند، در این صورت او دیگر عقاب نیست.
۱۴. زمزمه‌ی یک سرباز: من سربازم،
مهم نیست کجا باشم و چه کار بکنم،
مهم نیست چه بپوشم و چه بخورم،
مهم نیست دیگران درباره من چگونه فکر می‌کنند و یا چه خواهند گفت،
مهم نیست کی و چگونه از بین بروم،
مهم نیست کجا دفن شوم و یا در خاطره‌ها بمانم،
فقط یک چیز برای من مهم است.
۱۵. در فیلم‌ها ستون در حال حرکت سپاه ناپلئون را دیده‌اید. اما ستونی بسیار بزرگ‌تر و باشکوه‌تر از آن را هم در فیلم‌های رازبقا دیده‌اید ستون گاومیش‌های در حال مهاجرت. اگرچه دو ستون از دور بسیار به هم شبیه هستند، اما در نزدیکی آنها تفاوت بسیار است: ستون ناپلئون آنچنان سرشار از اتحاد و هماهنگی است که هیچکس جرعت عبور از کنار آن را ندارد، و ستون دیگر آنچنان سرشار از خودخواهی و بی‌نظمی است که گفتارهای کوچک‌جثه در کنار آن در آزادی کامل به صید مشغول می‌شوند.
۱۶. شیر بودن افتخار بزرگی است اما افراد کمی حاضر هستند بهای آن را بپردازند، اگر قادر باشند.
۱۷. فردی که بسیار به صفحه‌ی نمایش تلویزیون نزدیک است جز رنگ‌های در حال تغییر روی صفحه چیزی نمی‌بیند. اما باید علتی برای آن ترکیب و تغییر رنگ‌ها باشد. او سال‌ها سعی می‌کند تا مدل و قوانینی برای رفتار رنگ‌ها بسازد قوانینی که بسیار عجیب و اجباری به نظر می‌رسند. روزی جرقه‌ی نوری از کنار می‌آید و تمرکز فرد را از صفحه‌ی نمایش دور می‌کند. او قدمی به عقب برمی‌دارد و خود تلویزیون و بسیاری چیزهای دیگر

را می‌بیند. قوانینی که او ساخته بود دیگر برقرار و لازم نبودند، و درک حرکت‌ها بسیار ساده‌تر بود.

۱۸. اگر به مرکز جهان ضربه می‌زنید و فکر می‌کنید موفق شده‌اید آن را دور و کوچک کنید، سخت در اشتباه هستید: این مرکز جهان نیست که در حرکت است بلکه این شما هستید که دارید از آن دور می‌شوید و از مصاحبتش محروم.

۱۹. عصبانیت اعتراضی است به اشتباهات دیگران، اما این چگونه اعتراضی است که خود منجر به اشتباهات دیگری می‌شود.

۲۰. اگر با کسی که به شانس اعتقاد ندارد روبرو شدید، او را به چشم‌پزشک معرفی کنید، زیرا او توانایی دیدن اطرافیان را از دست داده است.

۲۱. ماسک را از صورتم بردارید، من اینجا هستم، بیمارم. اگرچه ماسک بسیار زیبا است، اما روزی که بیفتد، از من جز اسکلتی باقی نمانده است.